

عکس از نعیم احمدی / ایران ورزشی Nimi. Ahmadi

چیدمان تیم اسکوچیچ

تیم ملی ایران با هدایت دراگان اسکوچیچ هنوز استارت نزده اما در ۴ بازی پیش رو باید از مهلکه خطرناک انتخابی جام جهانی عبور کند. از همین رو شمای تاکتیکی تیم ملی اسکوچیچ برای این ۴ بازی یک بحث کلیدی و مهم است. با توجه به سلیقه سرمربی تیم ملی و نفراتی که او در اختیار دارد می‌توان چیدمان تیم ملی را حدس زد. صفحه آنالیز امروز این بحث را واکاوی می‌کند.

چه کسی می‌داند تیم ملی چطور بازی می‌کند؟

تیم رازآلود

مازیار حکمت

۱

نوشتن درباره تیم ملی آسان نیست. ما درباره تیمی ناشناخته می‌نویسیم، یک تیم ملی که مربی‌اش هنوز در این میدان چیزی را تجربه نکرده، یک تیم ملی که بازیکنانش مدت‌ها فوتبال بازی نکردند.

تیم ملی ایران در مسیر جام جهانی چگونه و با چه نوع فوتبالی پیش خواهد رفت. تنها جملاتی که از دراگان اسکوچیچ به یاد می‌آوریم، همین حرف‌هاست که ظاهراً از فلسفه مربیگری‌اش گفته: «این در خون بازیکنان ایرانی است و من هم امیدوارم این را انجام دهم. این فلسفه من نیز خواهد بود و امیدوارم بتوانیم در آینده بازی تهاجمی و موفقی از بازیکنان ارائه دهیم. به نظرم تفاوت تیم کی‌روش و ویلموتس دفاعی بودن دو تیم نبود، تیم آقای کی‌روش دیسیپلین دفاعی بهتری داشت و آن موضوع باعث موفقیت ایشان می‌شد. در دیدارهای اخیری که از تیم ویلموتس دیدم شبیه فیلم‌های درام بود اما سعی خواهم کرد فیلم‌های من بیشتر اکشن باشد. شناخت خوبی نسبت به لیگ ایران و حتی بیشتر از مربیان کروات دیگر دارم. اگر کسی بخواهد به من مشورت و نظری بدهد در این کلیشه که مربی خارجی هستم، نخواهم بود و از تمامی آنها سود خواهم برد.»

این حرف‌ها اما چقدر قابلیت اجرایی دارند؟ این حرف‌ها در تعطیلات فوتبال قابل بحث و اثبات نیستند، بلکه باید درباره تمام حرف‌های اسکوچیچ منتظر آینده باشیم، منتظر روزهایی که او برای ساختن تیمش کار خود را شروع کند، کاری پیچیده و دشوار در مسیری که پیش از حضور او سخت و طاقت‌فرسا شده است. ویلموتس نیز در روزهای آغازین همکاری‌اش با تیم ملی ایران گفته بود: «پرسشی که مطرح شده این است که ما می‌خواهیم با چه سبکی بازی کنیم؟ البته شما نمی‌توانید در عرض چند جلسه تمرین همه چیز را تغییر دهید اما ما در بازی دوستانه مقابل کره جنوبی ۱۶ موقعیت گلزنی خلق کردیم؛ ایران از بازی هجومی هیچ وحشتی نداشت؛ بازیکنان جوان‌تر باید با این فلسفه جدید وفق پیدا کنند.» اما این حرف‌های ویلموتس شباهتی به بازی تیم ملی در دوران او نداشت. دراگان اسکوچیچ حتماً می‌داند که کاری سخت‌تر از ویلموتس پیش رو دارد و حالا سرمربی تیمی است که در راه جام جهانی و جام ملت‌ها فرصت کوچک‌ترین اشتباه را ندارد. در ضمن با توجه به شیوع کرونا بازی‌ها تعطیل بوده و تیم ملی نیز در اجرای اردو و برنامه‌هایش عاجز شده و نمی‌داند چه برنامه‌ای را با چه دقتی می‌تواند بنویسد. در این شرایط حتماً اسکوچیچ باید با حرف‌هایش امید بسازد اما واقعیت چیزی فراتر از این حرف‌هاست و جای نگرانی‌های بسیار دارد، نگرانی‌هایی که در کنار خلق امیدها لازم و ضروری هستند.

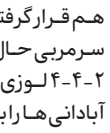
شاید بزرگ‌ترین بحران دراگان اسکوچیچ موضوع شناخت و پیگیری عملکرد بازیکنانش باشد. او چند ماه است که بازیکنانش را در هیچ اردویی در اختیار ندارد، حتی فرصت تماشای بازی آنها و بررسی وضعیت آنها را از دست داده است. اسکوچیچ پس از آنکه سرمربی تیم ملی شد، سفرهایی را شروع کرد تا با لژیونرها ملاقات کند، با مربیان آنها گفت‌وگو کند و آخرین وضعیت بازیکنان خود را بررسی کند اما شیوع ویروس کرونا و تعطیلی فوتبال تمام برنامه‌های دراگان اسکوچیچ را به هم ریخت.

او مدت‌هاست نمی‌تواند برنامه‌ای برای تیم ملی بنویسد و البته با فدراسیون فوتبالی مواجه است که هر روز برای سرمربی تیم ملی شایعه ساخته. یک روز گابریل کالدرون در آستانه سرمربیگری تیم ملی بود و روز دیگر آندره‌آ استراماچونی. یک مربی در چنین وضعیتی دچار تردید می‌شود، بخصوص دراگان اسکوچیچ که در اولین روزهای مربیگری‌اش در تیم ملی ایران نیز با موجی از انتقاد مواجه شده بود. مربیگری وسط این شایعات و بحران‌ها هرگز آسان نیست.

حالا با شروع دوباره بازی‌های لژیونرها و احتمال برگزاری لیگ برتر شاید به زودی تیم ملی نیز بتواند برنامه‌هایش را بنویسد و مسیر خود را انتخاب کند. اسکوچیچ از حالا می‌تواند به سبک بازی تیمش بیشتر فکر کند و ایده‌هایش را به اجرا نزدیک‌تر ببیند.

مرد روزهای سخت

انتظار برای آتش‌بازی پاییزی اسکو



سام ستارزاده

۲

با بازگشت تدریجی جریان فوتبال در اقصی نقاط کره خاکی، کشورها و باشگاه‌ها نیز اندک‌اندک اهداف و دغدغه‌های اضطراب‌آور پیش رویشان را به یاد می‌آورند. فوتبال ملی ما که برای صعود به آخرین دور مقدماتی جام جهانی قطر به درد سر افتاده نیز از این قاعده مستثنی نیست. دراگان اسکوچیچ امروز در حالی به خاک ایران بازگشت که بی‌شک در دوران قرنطینه نقشه صعود را مدام و مدام وارسی کرده و در حد امکان پیش می‌برد اما جدای از بحث نتیجه، او یک هدف بلندمدت و جذاب دیگر هم دارد؛ هدفی که پیش از بازگشت به ایران، امیدوارانه آن را در گفت‌وگو با سفیر ایران در کرواسی تکرار کرد. اسکوچیچ می‌آید، به امید اینکه یک تیم ملی هجومی بسازد.

از زمانی که سکان هدایت تیم ملی کشورمان به اسکوچیچ سپرده شد، بازی هجومی کلیدواژه پرتکراری بود که تقریباً در تمام مصاحبه‌های او به چشم می‌خورد. این سرمربی کروات، خود را «مرد روزهای سخت» خواند تا با حالتی غرورآمیز مصمم بودن خود را در ساخت تیم هجومی‌ای نشان دهد که مارک ویلموتس تنها از ماکت آن مقابل رقبای درجه چندمی رونمایی کرد اما شیوه‌هایی که وی در فصل جاری و در صنعت نفت به اجرا گذاشت، حکایت از این حقیقت دارد که اسکو تا حدودی تحت تأثیر فوتبال دفاعی و نتیجه‌گرای لیگ برتر هم قرار گرفته.

سرمربی حال حاضر تیم ملی لیگ نوزدهم را با ترکیب ۲-۴-۴ لوزی و سپس خطی آغاز کرد و در ۵ دیداری که آبادانی‌ها را با این ترکیب روانه میدان کرد، نفت تنها دوگل دریافت کرد که هیچ‌یک از این دوگل سهم ۲-۴-۴ خطی نبوده‌اند. سپس وی تا زمان ترک تیم، ترکیب ۳ مهاجمه را در صنعت نفت به کار گرفت. میانگین یک گل زده در هر بازی و اوج‌گیری عیسی آل‌کثیر با تغییر چینشی که اسکوچیچ از هفته هفتم لحاظ کرد، نمره قبولی را در فاز هجومی برای او رد می‌کند اما نکته متزلزل‌کننده در تفکرات مرد کروات، تفکری است که وی دو مرتبه در ورزشگاه آزادی و جلوی سرخابی‌ها پیاده کرد.

اسکوچیچ نه مقابل استقلال و نه برابر پرسپولیس به فلسفه هجومی خود وفادار نبود. برای هر دو بازی بزرگ نیم‌فصل نخست، وی سیستم سه‌دفاعه را به یکباره اتخاذ کرد که حاصل آن باخت به سرخ‌پوشان بود و مجازات پنج گله به دست شاگردان استراماچونی. همین صنعت نفت، با اتکا به سبک بازی همیشگی خودش و حملات برق‌آسای مهاجمانی نظیر ریکانی، آل‌کثیر و جهانی، نخستین شکست فصل سپاهان و تراکتور را رقم زد. مقایسه این ۴ دیدار، درس بزرگی برای سکان‌دار تیم ملی دارد تا ناکامی مشابهی در رویارویی با مدعیانی مانند کره و ژاپن به وقوع نپیوندد.

تیمی که اسکو در لیگ برتر ساخت و نمایش داد، از حیث تکنیک یکی از برترین‌های فوتبال باشگاهی کشور بود و در خلق موقعیت گلزنی و تبدیل این موقعیت‌ها به گل هم عملکرد قابل قبولی داشت اما در نبردهای هوایی و تکل‌زنی، یکی از ضعیف‌ترین آمار لیگ را ثبت کرد. جنتلمن کروات تیم ملی باید از تنومندی امثال احمد نوراللهی، مرتضی پورعلی‌گنجی و مجید حسینی پربازده‌ترین استفاده را ببرد تا نقطه ضعف بزرگی هم که تیم سابقش از آن رنج می‌برد و هم به نوعی نقطه قوت بحرین و عراق به شمار می‌رود، گره صعود را برای ما سفت‌تر نکند.

خوشبختانه فوتبال ایران در حال حاضر انبوهی از مهاجمان لژیونر را در اختیار دارد که همگی در مطلوب‌ترین فرم خود نیز قرار دارند. اسکو که از مهاجمان بومی آبادانی هنرمندانه بازی گرفت، قطعاً می‌تواند با آزمون، طارمی، کاوه رضایی، قدوس و مهاجمان مطرح لیگ خط حمله به مراتب تماشاگرپسندتری را نیز شکل دهد. کافی است همانطور که انتظار داریم، تاکتیک‌های اسکوچیچ در زمین، مانند مصاحبه‌هایش روی کلمه «هجومی» تأکید ویژه‌ای داشته باشد.